

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه:

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

موضوع پژوهش:

عوامل ترجمه در زبان، گفتمان و ارتباطات و پیشنهاد چهارچوب تحلیل

و ترکیب نقد ترجمه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر مصطفی عاصی

نگارش:

احمد طاهریان

شهریور ۱۳۷۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل ۱: پیش‌گفتار	
۱	۱-۱- مقدمه
۱	۱-۲- پیشینه کار
۲	۱-۳- چکیده مطالب رساله
۳	۱-۴- سپاس‌گذاری
فصل ۲: تاریخ ترجمه	
۴	۲-۱- مقدمه
۴	۲-۲- اولین شواهد
۵	۲-۳- عملکرد ترجمه
فصل ۳: تاریخ مطالعات ترجمه	
۱۲	۳-۱- مقدمه
۱۲	۳-۲- دوران ماقبل زبان‌شناسی ترجمه
۱۳	۳-۳- دوران زبان‌شناسی ترجمه
۱۵	۳-۴- نظریه‌های زبان و ترجمه
۱۵	۳-۵- بررسی نظریه‌های زبان
۲۱	۳-۶- حیطه کار تحقیقات ترجمه
فصل ۴: بررسی عوامل ترجمه	
۲۷	۴-۱- نیاز به ترجمه
۲۷	۴-۲- ترجمه و نظریه ترجمه

۳۱	۴-۳- عوامل مهم در ترجمه
۳۹	۴-۴- متغیرهای ترجمه
۶۴	۴-۵- خلاصه

فصل ۵: نقد ترجمه

۶۵	۵-۱- مقدمه
۶۶	۵-۲- اصول ارزیابی و نقد ترجمه
۶۷	۵-۳- جایگاه نقد و ارزیابی ترجمه در آرای صاحب نظران
۷۰	۵-۴- مدل‌های ارزیابی و نقد ترجمه
۷۳	۵-۵- چهارچوب پیشنهادی برای نقد ترجمه براساس روش تحلیل و ترکیب
۸۲	۶-۵- چهارچوب نقد ترجمه

فصل ۶: نحوه کارکرد چهارچوب

۸۴	۶-۱- مقدمه
۸۴	۶-۲- بررسی کتاب و ترجمه «تاریخ مختصر زبان‌شناسی»
۹۰	۶-۳- بررسی کتاب و ترجمه «درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی»
۹۶	۶-۴- بررسی ترجمه عباس مصباح زاده از قرآن

فصل هفتم: نتیجه‌گیری

۱۰۰	۷-۱- خلاصه مطالب
۱۰۱	۷-۲- محدودیت‌های بررسی حاضر و پیشنهاد برای بررسی‌های آینده
۱۰۲	کتاب‌نامه فارسی
۱۰۵	کتاب‌نامه انگلیسی

فصل اول: پیش‌گفتار

۱-۱- مقدمه:

ترجمه میان جوامع انسانی پدیده نوینی نیست. احتمالاً از همان زمانی که برخورد اقوام پیش آمد و به دنبال برخوردهای زبانی پس از آن، ترجمه و مترجمین نقشی در ارتباطات انسانی ایفا کرده‌اند. وجود چند زبان در کتیبه‌های بیستون نشان از وجود ترجمه در اعصار باستان ایران دارد. ترجمه همواره از سهل‌ترین راه‌های غلبه بر موانع زبانی بوده است.

پیشینه مطالعات ترجمه نیز به قرن‌ها قبل باز می‌گردد اما مطالعات سامان یافته در این حوزه را تنها می‌توان در دورانی که نیومارک «دوران پس از زبان‌شناسی ترجمه» نامیده است یافت. شروع این دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. طی این مدت دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگون و گاهی متضاد در زبان‌شناسی ارائه شده است، هرچند که این نظریه‌ها به ترجمه به عنوان یکی از مباحث زبانی نپرداخته‌اند اما دستاوردهای آنان را زبان‌شناسان برای توصیف، توضیح و حتی تجویز فرآیند ترجمه به کار برده‌اند. با این حال فقدان نظریه‌ای جامع درباره ترجمه و در نتیجه نبود معیاری عینی، روشن، یکدست و جهانی برای نقد ترجمه کاملاً مشهود است. بدین لحاظ در این رساله سعی شده تا چهارچوبی برای نقد ترجمه پیشنهاد گردد.

۱-۲- پیشینه کار:

مطالعات ترجمه خود عمری کوتاه دارند و بدیهی است که نتایج جنبی آن مانند آرایه چهارچوبی برای نقد ترجمه عمری کوتاه‌تر داشته باشند. در حقیقت تنها در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود که این مطالعات شروع شد و صاحب‌نظران به آرایه چهارچوب‌هایی برای نقد ترجمه پرداختند. تأخیر در آرایه این چهارچوب تاکنون امری اجتناب‌ناپذیر بود زیرا به نظر می‌رسد که ابتدا نیاز به نظریه‌های زبان‌شناختی است، سپس توصیف و تبیین ترجمه در محدوده این نظریه‌ها و تنها در مرحله بعد است که می‌توان امیدوار بود معیارهایی برای نقد ترجمه آرایه گردد.

بدین لحاظ این واقعیت که مطالعات نقد ترجمه تنها در دهه حاضر شروع شده است امری دور از ذهن نیست.

۳-۱- چکیده

به جز فصل حاضر، مباحث طرح شده درباره ترجمه در ۶ فصل سازمان داده شده‌اند. فصل ۲ به بررسی تاریخ ترجمه پرداخته است. ترجمه عملی ارتباطی است که از اعصار باستان وجود داشته و بسته به اهدافی که از آن انتظار می‌رفت و شرایط خاص جامعه زبانی مقصد، تأثیرهای متفاوتی به جا گذارده است که از صرف تبادل اطلاعات فراتر می‌رود. بعضی از این عملکردهای متنوع ترجمه عبارتند از: تقویت زبان ملی (مانند احیای زبان عربی در اسرائیل)، تأثیرات تاریخی و اجتماعی (مانند تأثیر ترجمه انجیل در اروپا)، ظهور ادبیات ملی، گسترش علوم (مانند آنچه در دوران اسلامی به وقوع پیوست) و گسترش دین (مانند ترجمه کتابهای مقدس مذهبی).

مطالعات ترجمه موضوع فصل ۳ این رساله است. در این رساله تقسیم‌بندی نیومارک (۴:۱۹۸۸) مطالعات ترجمه در دو دوره ماقبل زبان‌شناسی و زبان‌شناسی بررسی شده‌اند و آرای افراد صاحب‌نظر در این باب آورده شده است. آن قسمت از دستاوردهای نظریه‌های مختلف زبان‌شناختی نیز که در مطالعات ترجمه حایز اهمیت هستند، در همین قسمت ارائه شده‌اند. سپس مطالعات ترجمه براساس تقسیم‌بندی هولمز (۸:۱۹۸۶) مورد بررسی قرار گرفته است.

عوامل ترجمه در فصل ۴ بررسی شده‌اند. در این فصل، ترجمه عملی ارتباطی در نظر گرفته شده که انواع گوناگونی دارد و به دنبال دستیابی به اهداف متفاوتی است. برای دسترسی به اهداف ترجمه باید از میان متغیرهای گوناگون دست به انتخاب زد. این عمل فرآیند ترجمه قلمداد می‌گردد. ماحصل ترجمه تابعی از این متغیرهای گوناگون است. ولی این متغیرها عبارتند از: متغیر اهداف (اهداف نویسنده، مترجم و ترجمه) متغیر مخاطب، متغیر تعادل (سبک تأثیر و پیام معادل) متغیر عوامل برون‌متنی (شامل فرهنگ، جامعه، تاریخ، گونه زبانی و اطلاعات

پیش‌زمینه) و متغیر معیارهای ترجمه که برای نقد و ارزیابی ماحصل ترجمه به کار می‌روند و عبارتند از کفایت و مقبولیت، امانت‌داری، واحد ترجمه، موارد ترجمه‌ناپذیر، بافت، متن، زبان و ابزار ترجمه.

در فصل ۵ مباحث نظری نقد ترجمه، اصول آن و آرای صاحب‌نظران در باب نقد ترجمه و نیز مدل‌های ارزیابی و نقد ترجمه که تاکنون ارائه شده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس چهارچوب تحلیل و ترکیب نقد ترجمه به تفصیل شرح داده شده است.

نحوه کار کردن این چهارچوب در فصل ششم نمایانده شده است. در این فصل ۳ کتاب با استفاده از این چهارچوب مورد نقد قرار گرفته است. فصل هفتم نیز به نتیجه‌گیری و نشان دادن محدودیت‌های بررسی حاضر پرداخته و پیشنهادهایی برای بررسی‌های آینده ارائه شده است.

۴-۱- سپاس‌گذاری

اگر بذل توجه و عنایت استادان گرامی بنده نبود، انجام این پژوهش امکان‌پذیر نمی‌گشت. آقای دکتر محمد دبیرمقدم، استاد راهنمای رساله، لطف فرمودند و بنده را در مراحل مختلف انجام این کار راهنمایی کردند و نیز در طی این پژوهش بنده را با منابع و کتاب‌های مورد نیاز آشنا کردند.

آقای دکتر مصطفی عاصی، استاد مشاور رساله، علاوه بر بررسی و نشان دادن نکات مبهم، عنایت کردند و نظرات بسیار ارزنده خود را برای ارتقای کیفی این رساله در اختیار بنده گذارند. آقای دکتر یحیی مدرسی، استاد ممتحن، علیرغم کمبود وقت و فراوانی مشغله، نسخه دست‌نویس رساله را خواندند و کاستی‌های آن را به بنده گوشزد نمودند.

همچنین، در طول سه سالی که در خدمت این استادان گرامی بودم علاوه بر کسب فیض از محضر ایشان همواره مورد تفقد ایشان قرار داشتم. بر خود لازم می‌دانم تا از محبت‌ها، بذل توجه و عنایت‌های آقایان دکتر دبیرمقدم، دکتر عاصی و دکتر مدرسی تشکر کنم.

فصل دوم: تاریخ ترجمه

۱-۲- مقدمه:

ترجمه از دیرباز وجود داشته است. می‌توان حدس زد که هر جا مردمی با زبان‌های مختلف با یکدیگر برخورد داشته‌اند کاری از نوع ترجمه صورت می‌گرفته است. موانع زبانی همیشه سد راه ارتباطات جوامع بود و ترجمه از بهترین و سهل‌ترین ابزارهای غلبه بر این سد: «در برخورد جوامع زبانی مختلف باید به دنبال راهی برای غلبه بر موانع زبانی بود. دو زبانگی یک راه است ... راه دیگر استفاده از زبان میانجی است. اما مقرون به صرفه‌ترین راه، انتخاب افرادی است که وظیفه‌شان انتقال پیام از یک زبان به زبان دیگر است. حرفه ترجمه یکی از قدیمی‌ترین حرفه‌های دنیا است» (سیلکا، ۱۹۷۸: ۲۱۱)

برخورد جوامع زبانی علل گوناگونی داشته است. کشورگشایی و جنگ یکی از آن عوامل است. اما جوامع زبانی مختلف به دلایل دیگر نیز با یکدیگر برخورد داشته‌اند. از آن جمله‌اند دادوستدهای بازرگانی، رشد علوم و هنر و گسترش فرهنگ در میان ملت‌های مختلف. در این میان، ترجمه بیشتر در خدمت صلح و آشتی بوده تا در خدمت جنگ و دشمنی: «ترجمه ابزار جامعه است برای یافتن حقیقت و از این رو ابزاری است برای پیشبرد صلح و آشتی» (ددکیوس ۱۳۷۱: ۳۸)

«ترجمه ... که بخشی از فرآیند فرهنگی است، محیط فرهنگی آن جامعه زبانی را که پیام‌آور فرهنگ است بر جامعه زبانی می‌گشاید» (همان منبع: ۳۹)

بدین ترتیب «ترجمه را می‌توان از قدیمی‌ترین اشکال روابط انسانی به شمار آورد که در مجموع همواره در جهت تفاهم بشری عمل کرده است» (امام ۱۳۷۳: ۴)

۲-۲- اولین شواهد:

رد اولین شواهد ترجمه را در همان ابتدای اختراع خط یافته‌اند: «از آن هنگامی که انسان دستگاه خط را اختراع کرد مترجمین بین ملت‌ها، نژادها فرهنگ‌ها و قاره‌ها ارتباط برقرار کرده‌اند». (دلیسله و وودز ورث ۱۹۹۵: ۱۳ مقدمه) «بلافاصله پس از اختراع و به کارگیری خط در ملل باستان ترجمه نقشی اساسی در ارتباطات یافت» (میرعمادی ۱۹۹۳: ۲۱). اما در مورد اولین شواهد ترجمه که در تاریخ یافت می‌شود اختلاف نظر وجود دارد: «اولین شواهد ترجمه به سه هزار سال قبل از میلاد در زمان پادشاهی باستان مصر باز می‌گردد که الواحی به دو زبان یافت شدند» (نیومارک ۱۹۸۸: ۳) اما «باستان‌شناسان [در منطقه‌ای که سومر نامیده می‌شد] الواحی گلی کشف کرده‌اند که واژه نامه‌های دوزبانه مربوط به ۴۵۰۰ سال پیش بود. اینها خود نشان از وجود ترجمه در قدیم‌ترین اعصار تاریخ دارد» (دلیسله و وودز ورث ۱۹۹۵: ۷)

در بعضی موارد مترجمین خود مخترع خط بوده‌اند، از آن جمله‌اند اولفیلا^(۱) (قرن ۴ بلغارستان) مخترع خط گوتیک و مسروپ مشتوتس^(۲) (قرن ۵ ارمنستان) مخترع خط‌های ارمنی، آلبانیایی و گرجی. (همان منبع: ۸)

۲-۳- عملکرد ترجمه:

ترجمه همواره منافع فراوانی برای ملل مقصد داشته است. ترجمه، بسته به اهدافی که از آن انتظار می‌رفت و شرایط خاص جامعه زبانی مقصد، تأثیرهای فراوانی به جا گذارده که از صرف تبادل اطلاعات فراتر می‌رود:

«در مواردی عملکرد ترجمه انتقال اطلاعات نیست بلکه وسیله‌ای است که یک ملت خودش را «اثبات» کند... و نشان دهد که زبانش می‌تواند آنچه را که زبان‌های معتبرتر بیان می‌کنند به درستی و روانی بیان کند... مانند هنگامی که جولیبوس نایره‌ره آثار شکسپیر را از زبان انگلیسی به زبان سواحلی ترجمه

1 - Ulfila

2 - Masrop Mashtots

می‌کند، در اینجا ترجمه یعنی کسب قدرت و نه انتقال اطلاعات یا چیزی

مشابه آن» (لقور و با سنت ۱۹۹۰: ۸)

فرهنگ‌های مختلف نیز عملکردهای متفاوتی را از ترجمه انتظار دارند: «عملکرد ترجمه هم به مخاطبان آن بستگی دارد و هم به جایگاه متن اصلی که باید در فرهنگ مقصد بازنمایی گردد» (همان منبع) بدین ترتیب می‌توان عملکردهای متفاوتی را بخاطر شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خاص هر جامعه مقصد از ترجمه انتظار داشت. در زیر چند نمونه از عملکردهای متنوع ترجمه آورده شده است.

۱-۳-۲- تقویت زبان ملی:

یکی از راه‌های تقویت زبان ملی، ترجمه از زبان‌های مختلف به آن زبان است. این کار زبان مقصد را قادر می‌سازد تا مفاهیم علم، هنر یا رشته‌ای خاص را که در جامعه مقصد پیشینه‌ای ندارد بیان کند. در نتیجه زبان جامعه مقصد غنی‌تر و برای بیان پیچیدگی‌های تخصصی مجهزتر می‌گردد.

«ترجمه تنها پدیده‌ای منفرد نیست بلکه همواره با طرح‌هایی که ماهیت ملی، عقیدتی و مذهبی دارند در آمیخته است. این کار اغلب باعث تأثیرگذاری بر زبان و فرهنگ و نیز تقویت زبان ملی مقصد می‌شود... در فرانسه پادشاهان ... مترجمین را تشویق می‌کردند تا آثار بزرگ خارجی را به زبان فرانسه برگردانند، آنها را بومی کنند ... هدف آنها تقویت زبان ملی بود» (دلیسله و ودزورث ۱۹۹۵: ۲۵) (تأکید از متن اصلی است)

مثال دیگری که می‌توان ذکر کرد احیای زبان عبری در اسرائیل است. زبان عبری زبانی مرده بود. و تنها متون مذهبی دین یهود به آن زبان بود. ترجمه یکی از راه‌های کمک به احیای این زبان بود. این کار از دوراه صورت گرفت (۱) کمک به فراگیر شدن آن زبان در زمینه‌های مختلف (۲) غنی کردن زبان از طریق تماس با زبان‌های دیگر. (همان منبع: ۵۶) البته مشکلاتی نیز وجود داشت از جمله اینکه زبان عبری زبانی مذهبی بود و نمی‌توانست برای بیان مسایل زندگی روزانه

به کار رود. دیگر اینکه عبری تنها گونه نوشتاری داشت و فاقد انواع گونه‌های گفتاری همانند زبان‌های دیگر بود. (همان منبع: ۵۷) برای حل این مشکل منابع زبان عبری افزایش یافتند. راه‌های بکار رفته شامل تغییر معنایی، فرض‌گیری، واژه‌سازی، بکارگیری عمدی اصطلاحات به صورت غلط و نیز «استفاده از زبان‌های دیگر و امکانات آن زبان‌ها از طریق ترجمه» بود. (همان منبع: ۵۸)

۲-۳-۲- تأثیرات تاریخی و اجتماعی:

بسیاری از تغییرات عظیم فرهنگی که در تاریخ غرب و شرق رخ داده، بوسیله ترجمه میسر گشته است. از آن میان می‌توان به ترجمه انجیل به زبان‌های مختلف اشاره کرد:
«ترجمه انجیل از زبان سامی به دنیای هلنی و بعد به دنیای لاتین در تغییر فرهنگ آنها تأثیر فراوانی داشته است» (همان منبع: ۱۵۹)

طی قرون بعد نیز بوجود آمدن دو دستگی‌ها در کلیسای کاتولیک تا حدی به خاطر اصرار بعضی گروه‌ها به ترجمه انجیل به زبان خودشان و پافشاری کلیسای کاتولیک بر حفظ آن به زبان لاتین بود. علاوه بر آن ترجمه به عاملی در تغییرات اجتماعی یا مذهبی تبدیل شده بود «در اینجا عامل اصلی ترجمه نبود بلکه تنها وسیله‌ای برای انجام این تغییرات بود» (همان منبع: ۴۵)
«در ابتدای قرن ۱۶، تضادهای اجتماعی در آلمان به نقطه‌ای رسیده بود که نهضتی عظیم علیه کلیسای کاتولیک به پا خواست. در آن هنگام اصلاحات اجتماعی تنها همگام با اصلاحات در کلیسا می‌توانست قد علم کند. ترجمه متون مقدس به وسیله مارتین لوتر به زبان عامه مردم، چهارچوب نظری و عقیدتی این اصلاحات را فراهم آورد.» (همان منبع: ۴۶)

۲-۳-۳- ظهور ادبیات ملی:

در تاریخ ترجمه می‌توان ترجمه ادبی را از دو نوع دیگر یعنی ترجمه مذهبی و علمی جدا کرد. در این مورد در فصول بعد بحث خواهد شد اما در اینجا کافی است که گفته شود دیدگاه‌ها،

برخوردها و واکنش‌های مترجمین و مخاطبین را در مورد ترجمه می‌توان به دو دسته متمایز تقسیم کرد: از سویی ترجمه ادبی و از سوی دیگر ترجمه علمی، فلسفی و مذهبی. بسیاری از انواع ادبی حاصل ترجمه ادبیات از زبانی به زبان دیگر است:

«مترجمین در تمامی مراحل ظهور و رشد ادبیات به آن کمک کردند» (همان منبع: ۶۹) می‌توان پیدایش نمایش نامه‌نویسی در شکل جدید آن، داستان کوتاه، رمان و بسیاری از انواع ادبی دیگر در ادبیات فارسی معاصر را نتیجه ترجمه از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی در قرن حاضر دانست.

۴-۳-۲- گسترش علوم:

از ابتدای اختراع خط، انسان به دنبال دستیابی به دانش علمی و فنی همسایگان خود بوده است. مترجمین با ترجمه متون علمی و انتقال دانش، کمک فراوانی به پیشرفت علم کرده‌اند. به نظر می‌رسد که بدون ترجمه، پدیده‌ای که امروزه «انتقال تکنولوژی» می‌نامند وجود نداشته باشد. در حقیقت نه تنها انتقال تکنولوژی بلکه «سایر علوم نیز وضعیت بین‌المللی خود را مرهون ترجمه‌اند» (همان منبع: ۱۰۱)

۱- بررسی موردی: چین - اولین آثار ترجمه شده در چین به ۱۱۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گردد «در آن زمان کارمندان دولتی ترجمه را با هدف انتقال عقیدتی انجام می‌دادند» (همان منبع: ۱۰۴) در دوران بعد در سلسله هان (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ میلادی) ترجمه وسیله‌ای برای جذب دانش خارجی شد. «بین سال‌های ۱۴۸ تا ۱۷۱ میلادی بخشهایی از سوترا و متون اخترشناسی هندی به چینی ترجمه شد. این کار در نهایت موجب ریشه دواندن بودائیسیم در چین گردید» (همان منبع: ۱۰۴-۱۰۵) «در دوران سلسله تنگ (۹۰۷-۶۱۸ میلادی) ترجمه و وارد کردن علوم به اوج خود رسید و کتبی در زمینه مثلثات، نجوم، ریاضی، داروشناسی، پزشکی و به خصوص چشم پزشکی به زبان چینی ترجمه شد» (همان منبع: ۱۰۵) «در قرون بعد با ورود مبلغان مسیحی به چین در دوران سلسله چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۲) چین با دنیای غرب تماس

برقرار کرد. مبلغان مسیحی برای جلب اعتماد پادشاهان چینی متون مسیحی و نیز علمی را به زبان چینی ترجمه کردند» (همان منبع: ۱۰۶) اما این تبادل اطلاعات یک طرفه نبود. ترجمه در شناسایی چین در دنیای غرب نیز نقش مهمی ایفا کرد:

«نیز ترجمه کتاب‌های کلاسیک چینی ... در زمینه‌های فلسفه، سیاست، آموزش، نظام و ارتش، اروپائیان را قادر ساخت تا به درک درستی از تاریخ و فرهنگ و تمدن غنی چین دست یابند... بسیاری از مترجمین اروپایی نقشی مهم در شناساندن چین به بقیه جهان داشتند» (همان منبع: ۱۰۸-۱۰۷)

۲- بررسی موردی: دوران اسلامی - بدون شک نقش ترجمه در شکوفایی تمدن اسلامی

برکسی پوشیده نیست:

«در قرون ۹ و ۱۰، شهر بغداد مرکزی برای ترجمه بود. هدف آنها ترجمه آثار علمی و فلسفی یونان باستان به عربی بود. این کار بر شکوفایی علم و فلسفه در دوران حکومت اسلامی تأثیرات شگرفی گذارد. پیشرفت ترجمه، زبان‌های دیگر را نیز شامل شد: متون متعددی از زبان‌های فارسی، سریانی و سانسکریت به عربی ترجمه شد» (همان منبع: ۱۱۲)

«آثار ترجمه شده مواد خامی شدند که استعداد عرب‌ها را شکوفا کرد و باعث شکوفایی مردم در دوران اسلامی شد و پس از آن به غرب رسید» (همان منبع: ۱۱۵)

به نظر می‌رسد در این دوران روش‌ها و مکاتب خاصی برای ترجمه به وجود آمده بود.

ترجمه را کاری تخصصی قلمداد می‌کردند که در خدمت اهدافی خاص قرار گرفته است:

«متن ترجمه شده هدف نبود بلکه هدف، استفاده از آن برای گسترش و پیشبرد دانش بود... به همین دلیل ترجمه‌ها اغلب همراه با شرح و تفسیر و آرایه آرای جدید و دامن زدن به مباحث گوناگون بود... مترجمین خود بر آنچه در متن بود می‌افزودند» (همان منبع: ۱۱۲)

«طی این دوران ترجمه و تولید علم آنقدر در هم امتزاج یافته بود که هر دو باهم زمینه‌ساز به وجود آمدن نظامی جدید از تفکر شدند که پایه تفکر اسلامی شد... مترجمین خود در زمینه‌ای که دست به ترجمه می‌زدند متخصص بودند... و

واژگان بسیاری از علوم را با معرب کردن واژه‌های بیگانه در حوزه‌های علم و فلسفه پدید آوردند» (همان منبع: ۱۱۴)

۵-۳-۲- گسترش دین:

از دیدگاه ترجمه، ادیان را می‌توان در دو گروه جای داد: یکی آنها که زبانی منحصر به فرد و مقدس دارند و دیگر آنها که می‌توان پیام کتاب مقدسشان را با اعتبار یکسانی به همه زبان‌ها بیان کرد. در مورد گروه اول (مانند اسلام و یهودیت) ترجمه کتاب مقدس همیشه ضمیمه‌ای بر متن اصلی است اما در مورد گروه دوم (مانند مسیحیت و بودایی‌گری) متن ترجمه شده می‌تواند جانشین متن اصلی گردد.

اما ترجمه متون مذهبی تنها اختصاص به کتاب‌های مقدس ندارد بلکه متون دیگر و جنبی را نیز دربرمی‌گیرد. ترجمه این آثار نیز در کنار کتب مقدس همواره منشأ تأثیرهای فراوانی در جوامع گوناگون بوده است:

«ترجمه متون مذهبی نشانگر تغییر شرایط سیاسی، فلسفی و عقیدتی بوده است. این ترجمه‌ها باب گفتگو را میان مردم گشودند. مطالبی جدید برای مباحثه فراوری مخاطبین جدید نهادند... و اغلب بعدی مذهبی یا عقیدتی به لشکرکشی‌های نظامی یا سلطه‌گری استعماری بخشیدند... مترجمین متون مذهبی اغلب کار خود را از دیدگاه مذهب یا فلسفه ارزیابی کرده‌اند و بیشتر به متن اصلی وفادار بوده‌اند تا به تطبیق پیام مذهبی برای فرهنگ خاص جامعه مقصد» (همان منبع: ۱۶۰)

بررسی موردی: قرآن - در اسلام، برخلاف مسیحیت، ترجمه قرآن هرگز به عنوان راهی برای تبلیغ و گسترش دین قلمداد نشده است. در قرآن، به صراحت گفته شده است که زبان عربی به عنوان زبان پیام الهی برگزیده شده است: «ما قرآنی عربی نازل کردیم باشد که شما دریابید» (بقره: ۲) «کتابی است که آیه‌هایش به وضوح بیان شده. قرآنی است به زبانی عربی برای مردمی که می‌دانند» (فصلت: ۲) علاوه بر آن، عقیده به معجزه بودن قرآن و در نتیجه غیرقابل تقلید بودن

آن در بین مسلمانان امری بدیهی است. به همین دلیل برای ده‌ها سال مترجمین دست به ترجمه قرآن نزدند. برای استفاده آن دسته از مسلمانانی که به زبان عربی آشنایی نداشتند، تنها به تفسیر و بازگویی و تبیین قرآن بسنده می‌شد. عقیده غالب این بود که هرکوششی در ترجمه قرآن بی‌نتیجه است. (دلیسله و وودز ورث : ۱۷۸)

معدالک پس از دو قرن، بخاطر ناآشنایی مسلمانان غیرعرب با قرآن، مترجمین قرآن را به زبان‌های دیگر ترجمه کردند «... تا سال ۱۹۸۶، ۲۶۶۸ ترجمه چاپ شده از قرآن، به بیش از هفتاد زبان در دست بود....»

این ترجمه‌ها حدوداً از دویست سال پس از مرگ پیامبر شروع شد و اغلب به صورت واژه به واژه و باحفظ ویژگی‌های دستوری عربی به منظور حفظ زبان قرآن انجام می‌گرفت» (همان منبع) حتی در دوران حاضر نیز مترجمین بعضی از ترجمه‌های قرآن، از اطلاق واژه «قرآن» به ترجمه‌های خود احتراز کرده‌اند و بیان کرده‌اند که قرآن ترجمه ناپذیر است. از آن جمله است آرتور جان آربری، مترجم مشهور قرآن به زبان انگلیسی که ترجمه خود را «تفسیر قرآن» نام نهاده و می‌گوید:

«قرآن ترجمه ناپذیر است... به کوتاه سخن نحوه بیان و آهنگ عربی قرآن آنچنان تأثیرگذار، قوی و احساس برانگیز است که هر نسخه دیگری از آن ... تنها نسخه‌ای ضعیف از شکوه و عظمت متن اصلی خواهد بود» (آربری ۱۹۵۵: ۲۷)

فصل سوم: تاریخ و مطالعات ترجمه

۱-۳- مقدمه:

بحث و بررسی ترجمه به مثابه یک رشته (اعم از علمی یا هنری) از قرن‌ها قبل از میلاد مسیح شروع شد (میرعمادی ۱۹۹۳: ۱۲)

«برای ۲ هزارسال، نظریه ترجمه تنها به بررسی کارهای هنری مهم می‌پرداخت. بنابراین توجه آن به ترجمه ادبی بود. در این نگرش بحث غالب همان بحث دوگانگی بین واژه و مفهوم یا ترجمه (آزاد) در برابر ترجمه (امین) بود» (اسنل - هورن بی ۱۹۹۰: ۷۹)

نیومارک (۱۹۸۸: ۴) مطالعات ترجمه را به دو دوره ماقبل زبان شناسی و زبان شناسی تقسیم کرده است.

۲-۳- دوران ماقبل زبان شناسی ترجمه

«... [از ابتدای تاریخ تا دهه پنجم قرن حاضر] به صورت مختصر تاریخ ماقبل زبان شناسی ترجمه بود.

از ویژگی‌های این دوران یکی این است که بین انواع متون و کیفیت آنها تمایزی نمی‌گذارد... از جنبه نظری قوی ولی از لحاظ عملی و روش شناختی ضعیف است... در عین حال نظریه پردازی نمی‌شود و افراد از کارهای یک دیگر بی‌خبرند» (همان منبع)

نوشته‌ها و آثار مکتوب این دوره در مجموع بیانگر افکار و نظرهای برخی شخصیت‌های ادبی و مذهبی در مورد این حوزه از فعالیت ذهنی بشر است.

«اغلب این نظرات به صورت ذهنی و تجویزی ابراز شده‌اند... این مطالعات بیشتر رنگ و بوی مطالعات علم زبان شناسی تاریخی یا فقه‌اللغه داشته‌اند تا جهت‌گیری علم امروزمین زبان شناسی» (امام ۱۳۷۳: ۴)

در دوره ماقبل زبان شناسی ترجمه، از دو اصطلاح غیردقیق لغوی و آزاد برای توصیف

روش‌های ترجمه استفاده می‌شد. در عین حال:

«شدت و ضعف لغوی و یا آزاد بودن ترجمه متفاوت بود... عباراتی نظیر کاملاً

آزاد، کاملاً لغوی، تا حدی آزاد و تا حدی لغوی زیاد دیده می‌شد» (خزاعی‌فر

۱۳۷۰: ۴۸)

تنها تمایزی که به نظر می‌رسد نظریه پردازان این دوران قایل شده بودند تمایز بین توجه به

نویسنده متن مبدأ و خواننده متن مقصد بود:

«در دوران ماقبل زبان‌شناسی ترجمه ... عقاید حول دو نکته ترجمه آزاد یا

تحت‌اللفظی، وفادار یا زیبا و دقیق یا روان بود و همه اینها بستگی به این نکته

داشت که موضوع نظر و کانون توجه فرد نویسنده باشد یا خواننده: متن زبان

مبدأ باشد یا متن زبان مقصد» (نیومارک ۱۹۸۸: ۳۸)

۳-۳- دوران زبان‌شناسی ترجمه

تقریباً با شروع دهه پنجاه میلادی مطالعات ترجمه منسجم‌تر شد و به موضوع مورد علاقه

برخی زبان‌شناسان تبدیل گشت:

«پس از قرن‌ها کار پراکنده و بی‌برنامه در مورد ترجمه، به همت نویسندگان،

لغت‌شناسان و ادبا، از جنگ جهانی دوم به بعد، علاقه به ترجمه در میان

محققان روز به روز افزایش یافته است» (هولمز ۱۳۷۱: ۶)

« [پس از جنگ جهانی دوم] ... ترجمه به وضوح به عنوان شاخه‌ای از

زبان‌شناسی کاربردی معرفی شد ... و روش‌ها و نظرات علوم دقیق مانند

ریاضی و منطق [برای بررسی آن] اتخاذ گشت» (سنل . هورن بی ۱۹۹۰: ۸۰)

بعضی از نظریه‌های زبانی پس از جنگ جهانی دوم به بررسی ترجمه پرداختند، برای

جنبه‌های گوناگون آن مفاهیم و واژگان جدیدی ابداع کردند و نیز چهارچوبی برای کار خود در نظر

گرفتند، یعنی دست به عملی زدند که بدون انجام آن هیچ رشته علمی نمی‌تواند رشد کند. (همان

منبع: ۸۵)

این نظریه‌ها ترجمه را صرفاً در چهارچوب زبان‌شناسی در نظر می‌گرفتند و دلیلی عینی و

ضروری برای این کار داشتند:

«اینکه ترجمه تنها از دیدگاه زبانی بررسی شد بخاطر این باور بود که ترجمه ماشینی در راه است» (لفور و باسنت ۱۹۹۰: ۴)

از سوی دیگر زبان‌شناسان دیگری نیز ترجمه را همراه با بسیاری از حوزه‌های دیگر در چهارچوب زبان‌شناسی می‌دانند:

«بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی نیاز به تحقیق زبان شناختی دارند. از آن جمله‌اند زبان آموزی نقش زبان در آموزش، زبان اقلیت‌ها، برنامه‌ریزی زبان و ترجمه» (حاتم و میسون ۱۹۹۰: ۲۲)

کسان دیگری نیز ترجمه را بخشی از جامعه‌شناسی زبان دانسته‌اند:

«نظریه ترجمه ریشه در زبان‌شناسی تطبیقی دارد و در داخل زبان‌شناسی جنبه‌ای از معناشناسی است تمامی مسایل معناشناختی به ترجمه مربوطند... از آن میان جامعه‌شناسی زبان نقش مهمی در نظریه ترجمه دارد.» (نیومارک ۱۹۸۸: ۵)

«بسیاری از متخصصان این رشته اعتقاد دارند که کلید حل مشکلات ترجمه را باید در گس‌جینه یافته‌ها و نظریه‌های زبان‌شناسی جستجو کرد ولی جامعه‌شناسی زبان که تأکیدش بر نقش زبان در ارتباطات است می‌تواند در راه حل مشکلات ترجمه بیش از زبان‌شناسی موثر باشد» (نایدا ۱۳۷۳: ۱۳)

کسان دیگری نیز در داخل حوزه مترجمه قایل به حداقل ۲ بخش جامعه‌شناسی زبانی -

ترجمه^(۱) و روان‌شناسی زبانی ترجمه^(۲) شده‌اند:

«توصیف جامعه شناختی زبانی ترجمه بر مخاطبین، ماهیت پیام و نحوه به کارگیری برای آرایه آن و نیز بافت اجتماعی - فرهنگی پیام تأکید دارد ... و کانون توجه توصیف روان شناختی زبانی ترجمه بر رمزگذاری و رمزگردانی در ذهن مترجم است» (بل ۱۹۹۱: ۲۰)

۳-۴- نظریه‌های زبان و ترجمه:

نظریه‌های زبان اغلب در دورانی ارایه شده‌اند که نیومارک «دوران زبان‌شناسی ترجمه» نامیده است: «نظریه‌های زبان اغلب بدون در نظر گرفتن ترجمه ارایه شده‌اند هرچند بعضی از اینها هم در نظر و هم در عمل به جنبه‌هایی از ترجمه پرداخته‌اند» (لارسون: ۱۹۹۴)

بدین ترتیب در این نظریه‌ها توجهی به ترجمه نشده است:

«قبل از دهه ۸۰ میلادی زبان‌شناسان به ندرت ارتباط مشخصی را بین نظریه زبان و ترجمه مشخص می‌کردند.... تنها بعضی از زبان‌شناسان به صورت منفرد بین نظریه زبان و نظریه ترجمه رابطه‌ای می‌دیدند» (همان منبع)

یعنی نمی‌توان امیدوار بود تا همه نظریه‌های زبان به صراحت و روشنی در مورد ترجمه و مشکلات و پیچیدگی‌های آن حرفی زده باشند.

۳-۵- بررسی نظریه‌های زبان:

همانطور که گفته شد اکثر نظریه‌ها به ترجمه نپرداخته‌اند اما شاید بتوان از بعضی داده‌ها و دستاوردهای آنان برای بررسی ترجمه سود برد. در این بررسی، این نظریه‌ها تنها از همین دیدگاه معرفی شده‌اند یعنی صرفاً از جهت پاسخ‌گویی به سئوالاتی که ترجمه فراروی زبان‌شناسان قرار می‌دهد.

۳-۵-۱- «رساله در باب اصول ترجمه»:

از میان گفته‌های دوران ماقبل زبان‌شناسی، تنها به آوردن همین یک نمونه اکتفا شده است زیرا به نظر می‌رسد که این نمونه تصویری کلی از تمامی آن دیدگاه‌ها در اختیار می‌گذارد.

در قرن ۱۸، تیتلر^(۱) در «رساله در باب اصول ترجمه» (۱۷۹۱) سه قانون برای ترجمه پیشنهاد می‌کند: (حاتم و میسون ۱۹۹۰: ۱۶ و ۱۵)

۱ - A.F.Tytler

- ۱- ترجمه باید در بردارنده تمامی عقاید و آرای متن اصلی باشد.
 - ۲- سبک و روش نگارش باید دارای همان ویژگی‌های متن اصلی باشد.
 - ۳- ترجمه باید راحتی و روانی متن اصلی را دارا باشد.
- سه قانون فوق بسیار کلی و مبهم هستند و جوابگوی بسیاری از مشکلات و پیچیدگی‌های ترجمه نیستند.

۲-۵-۳- نظریه نقش گاهی^(۱):

در سال‌های دهه ۵۰ کنت پایک، نظریه نقش گاهی را ارائه داد. این نظریه زبان را در بافت بزرگتری که زبان در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد مورد توجه قرار می‌داد. «نکته مهم که در نظریه ترجمه حایز اهمیت بود تأکید بر سخنگو، شنونده، ناظر و وضعیف ارتباطی بود» (لارسون: ۱۹۹۴)

تمامی این عوامل امروزه از عوامل مهم و موثر در نظریه ترجمه محسوب می‌گردند.

۳-۵-۳- نظریه سازگانی^(۲):

«از دیدگاه این نظریه، معنا پایه است و دستور ریشه در آن دارد. نظام زبان حول متن و تمامی گفتمان سازمان داده شده است» (همان منبع)

«این نظریه میان نقش‌های متفاوت زبان تمایز قایل شده [و عنوان می‌کند که] جملات را تنها با توجه به نقشی که در بیان تجربه شخص از جهان درون و برون او دارند می‌توان معادل حساب کرد و نه صرفاً با توجه به نقش جمله در متن» (ویدوسون ۱۹۸۵: ۱۱)

این نظریه پایگاهی مهم در بین صاحب‌نظران ترجمه دارد زیرا ابزاری توصیفی و تحلیلی در اختیار آنها قرار می‌دهد که می‌توان برای بررسی تمامی انواع متون به کار گرفت. هم در ایران و هم در کشورهای دیگر زبان‌شناسانی با استفاده از این نظریه در حوزه ترجمه دست به

نظریه پردازی زده‌اند. آرای این دسته از زبان شناسان در فصل بعد بررسی خواهد شد.

۴-۵-۳- نظریه زایشی گشتاری:

آرای اولیه چاسکی اثری مستقیم در نظریه ترجمه داشت وی ایده وجود ژرف ساخت را ارائه کرد که در آن جملات هسته‌ای واحدهای اولیه به شمار می‌روند. مفاهیم ژرف ساخت و روساخت کاربرد عملی مستقیمی در ترجمه دارند، زیرا اگر ترجمه را انتقال بین زبان‌ها بدانیم و اگر قایل شویم که در حقیقت یک ژرف ساخت همگانی وجود داشته باشد و نیز اگر هر زبانی قواعد خودش را برای ساختن روساخت از این ژرف ساخت مشترک داشته باشد، آنگاه این مفهوم به ابزاری مهم در روش‌های ترجمه و نقد ترجمه تبدیل می‌گردد.

از سوی دیگر ایرادهایی اساسی نیز بر این دیدگاه گرفته‌اند:

براساس این دیدگاه «جملات با ژرف ساخت مشترک معادل یکدیگر» (همان منبع: ۱۲) قلمداد می‌گردند پس «طبق الگوی زایشی - گشتاری تعداد عبارات معادل افزایش» (همان منبع) می‌یابد نتیجه اینکه «جملاتی را که بنا بر الگوی زایشی - گشتاری معادل یکدیگر می‌دانیم ارزش نقشی یا کاربردی متفاوتی دارند و بالقوه گفته‌هایی نیستند که به طور نامشروط به جای یک دیگر به کار می‌روند.» (همان منبع: ۱۳)

«چنین به نظر می‌رسد که الگوی زایشی - گشتاری پاره‌ای از جملات را که

ارزش ارتباطی متفاوتی دارند معادل می‌داند و بعضی از جملات را که ارزش

ارتباطی یکسانی دارند معادل نمی‌داند.» (همان منبع: ۱۴)

۵-۵-۳- معناشناسی زایشی:

«معناشناسی زایشی، معناشناسی را در نظریه نحوی دستورگشتاری ادغام کرد» (لارسون:

۱۹۹۴) از آنجا که یکی از جنبه‌های ترجمه انتقال معنا است، آرای مربوطه به تشکیل فرآیندهای

معنایی در مواردی مثل واژه‌سازی، کاربرد اصطلاحات و بکارگیری اطلاعات جدید و قدیم در